

پیش بینی رفتارهای قلدرانه دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن بر اساس هوش هیجانی

لیلا اقدامی گل افزانی^۱ - زهرا پیرفلک^۲

۱- کارشناسی ارشد/ روانشناسی عمومی - آموزش و پرورش شهرستان فومن

۲- کارشناسی ارشد/ روانشناسی عمومی - آموزش و پرورش شهرستان فومن

چکیده

هدف از انجام پژوهش، بررسی رابطه هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن می باشد. پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل، دانش آموزان پایه پنجم و ششم مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن بودند که تعدادشان ۶۵۰ نفر بود و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۲۴۲ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۲۰۰۰) و پرسشنامه رفتارهای قلدرانه اسپلاگه و هولت (۲۰۰۵) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام توسط نرم افزار آماری SPSS23 استفاده شد. یافته ها نشان داد که بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.36$). با توجه به نتایج به دست آمده، کنترل هیجانات، می تواند در درک و کاهش رفتارهای قلدرانه دانش آموزان و متعاقباً کاهش بی نظمی ها و بدرفتاری ها در مدارس بسیار مؤثر باشد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی، قلدری، رفتارهای قلدرانه

مقدمه

آموزش و پرورش عرصه‌ای است که در آن آرمان‌های تربیتی، فرهنگی و اخلاقی دنبال می‌شوند. مدرسه نیز مکانی است که کودک در آن مهارت‌های ارتباطی، نقش جدید خود به عنوان دانش‌آموز، قانون‌پذیری و قانون‌باوری، سامان دادن به سیستم هیجانات خویش و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزد و به اصطلاح جامعه‌پذیر می‌شود. همچنین نوجوانی دوره‌ای از رشد است که با تغییرات سریع جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی- فرهنگی و شناختی همراه است. از جمله مسایل حایز اهمیت در این دوره مبحث بلوغ است که دارای ابعاد گوناگون جسمی و روانی است. نوجوانی نیز مانند سایر دوره‌های زندگی دارای اختلال‌های خاص خود است که از نظر شدت تأثیرگذاری و نوع آسیب با یکدیگر متفاوت هستند (بیرامی و علایی، ۱۳۹۲).

یکی از آسیب‌های این دوره، قلدری است که با توجه به شدت بالا و ناگواربودن پیامدها و همچنین درمان سخت آن، توجه فراوانی از سوی متخصصان به خود جلب کرده‌است و به شکل‌های مختلفی چون دزدی، خرابکاری، قچاق و نظایر آن رخ می‌دهد و الگوی آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر و در زمان‌های مختلف، متفاوت است (زندوانیان، دریاپور و جعفری، ۱۳۹۲). قلدری، همچنین یکی از پدیده‌ترین چالش‌های مدارس است. می‌توان گفت از زمان تأسیس و پیدایش مدرسه به صورت امروزی آن، قلدری در مدارس وجود داشته‌است. قلدری از زیرمجموعه‌های رفتار پرخاشگرانه است که منجر به شود. تحقیقات حاکی از آن است که حدود ۶۹ درصد از دانش‌آموزان طی دوران آسیب جسمی و روانی به فرد قربانی می‌تحصیل قلدری را تجربه کرده‌اند (رویداد، نوریا و ویکتوریا^۱، ۲۰۲۲). آمار فزاینده قلدری و همچنین تبعات منفی و فراوان آن در سراسر جهان توجه محافل دانشگاهی را برای مطالعه و کنترل این آسیب برانگیخته است. با توجه به آمار سازمان بهداشت ای شایع است و از همان آغاز شروع مطالعات در حوزه قلدری نتایج بیشتر آنها جهانی قلدری در تمام کشورهای جهان پدیده القول هستند و آن نرخ بالای شیوع قلدری در مدارس است. برای نمونه الویوس (۱۹۹۳) با در سراسر جهان در یک زمینه متفق شده از ۱۳۰ هزار دانش آموز در مدارس ابتدایی و متوسطه کشور نروژ (سنین ۷-۱۶ ساله) یافت آوری‌های جمع‌توجه به داده که ۱۵ درصد از آنها در مدارس ابتدایی و متوسطه یا به عنوان قلدر و یا به عنوان قربانی درگیر قلدری بوده‌اند. در تحقیقی کلاسیک مرکز ملی بازداري خشونت در آمریکا یافتند که ۳۰ درصد نوجوانان به عنوان قلدر، قربانی و یا قلدر- قربانی درگیر

¹ . Rueda , Nuria & victoria

این پدیده هستند. پژوهشی که در سال (۲۰۰۱) توسط موسسه ملی سلامت کودکان آمریکا هم صورت گرفت، نشان داد نزدیک به ۳/۱ میلیون دانش آموز در این کشور به نوعی پدیده قلدری را تجربه کرده بودند: ۱۳ درصد به عنوان قلدر، ۱۱ درصد به عنوان قربانی و ۶ درصد به عنوان قلدر-قربانی و مهم تر این که حدود ۱۰ درصد از این دانش آموزان هر هفته حداقل یکبار با این پدیده درگیر بودند (چراغی و پیسکین^۲، ۲۰۱۱). چارچ، پیپلر و زیگلر^۳ (۱۹۹۵) نشان دادند که حدود یک سوم از کودکان ۴ تا ۱۴ ساله در تورنتو کانادا به نوعی در پدیده قلدری همسالان درگیر هستند و اسلی^۴ (۱۹۹۴) هم در مطالعه ای بر روی دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه استرالیا نشان داد که ۱۴ درصد دانش آموزان هدف قلدری همسالان خود قرار می گیرند (یو و شی^۵، ۲۰۱۵).

نتایج جدیدترین تحقیق هم در ایران حاکی از اعتقاد ۸۰ درصد دانش آموزان به وجود پدیده قلدری و درگیر بودن ۳۳/۳ درصد به عنوان قربانی، ۱۰ درصد به عنوان قلدر، ۱۶ درصد قلدر-قربانی و بیش از ۴۰ درصد به عنوان مشاهده گر قلدری است. تحقیق اخیر دیگری در ایران هم نشان داده است که در کل ۲۸ درصد دانش آموزان به نوعی درگیر در قلدری هستند و در این میان ۲۳ درصد در نقش قربانی و ۱۶ درصد به عنوان قلدر حضور دارند. چنین آمارهای بالائی از شیوع نشان می دهند که بدون شک قلدری در مدارس کشور ایران نیز مسئله ای جدی بوده و نیازمند توجه است. در کل مطالعات گسترده انجام شده در سراسر جهان بین ۱۵ تا ۳۰ درصد دانش آموزان را تحت تاثیر قلدری و پیامدهای آن می دانند (حبیبی و صیادی، ۱۴۰۰).

با نظر به این که بیشتر تحقیقات انجام شده، حاصل اندیشه ورزی های محققان روان شناسی با رویکرد روان شناختی به موضوع و غلبه ی به کارگیری روش آزمایشی هستند، هدف اصلی در تحقیق حاضر، سنجش رابطه هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن است.

در دهه های گذشته، رفتارهای قلدرانه میان کودکان و نوجوانان در مدرسه، بخش اعظمی از تحقیقات را در سراسر جهان به خود اختصاص داده است. برخی کشورها شامل نروژ، ایتالیا، کانادا، آمریکا و ژاپن قلدری را یک مسئله جدی در مدارس تشخیص داده اند (اسمری، دولت شاهی و طاهری، ۱۳۹۸). قلدری احتمالاً یکی از دشوارترین و شایع ترین

². Cheraghi & Piskin

³. Charch, Phipler & Zigler

⁴. Asli

⁵. Yu & Shi

مسائلی است که مدارس امروزه با آن روبرو هستند؛ درحالی که تمام کودکان حق دارند در یک محیط امن آموزش ببینند. قلدری مدت زمان زیادی است که در مدارس وجود دارد؛ ولی آگاهی به مضراتی که قلدری ایجاد می- کند، نسبتاً جدید است (رویداد و همکاران، ۲۰۲۲).

قلدری مدرسه به طور گسترده به عنوان یک مسئله جدی شخصی، اجتماعی و آموزشی در نظر گرفته شده است که بسیاری از کودکان مدارس را تحت تأثیر قرار می دهد (فخاری زاده، رضایی و محمدی فر، ۱۴۰۱). قلدری یک شکل ویژه از رفتار پر خاشگری است که می تواند موقعیتی تعریف شود که یک دانش آموز به طور پیاپی و برای مدت نسبتاً طولانی به اذیت و آزار و اعمال منفی در برابر یک یا شمار بیشتری از شاگردان می پردازد (حبیبی و صیادی، ۱۴۰۰).

هوش هیجانی نقش مهمی هم در رفتار قلدری و هم قربانی شدن قلدری ایفا می کند و آموزش مهارت های اجتماعی - هیجانی به طور قابل ملاحظه ای می تواند به بهبود پیشگیری از قلدری و طرح های مداخله ای منجر شود (دره شکوه، بنی جمالی و احدی، ۱۳۹۸). مارتینز^۶ (۱۹۹۷)، هوش هیجانی را آرایه ای از مهارت ها، توانایی ها و شایستگی های غیرشناختی تعریف نموده است که بر توانایی فرد برای مقابله با تقاضاها و فشارهای محیطی تأثیرگذار است. هوش عاطفی نوعی پردازش اطلاعات عاطفی است که شامل؛ ارزشیابی صحیح احساس های خود و دیگران و بیان مناسب و تنظیم سازگاران احساس ها است، به نحوی که به بهبود جریان زندگی منجر شود. در واقع هوش عاطفی بر مدیریت احساس های خود و دیگران تأکید دارد. طبق نظر مک گاروی^۷ (۱۹۹۷)، هوش هیجانی مشتمل بر توانایی پیگیری و با انگیزه بودن، توانایی کنترل هیجان ها، توانایی کنترل نکته ها، توانایی همدلی و عطف کردن است. تعریف هوش هیجانی از نظر گلن، ظرفیت یا توانایی سازماندهی احساس های خود و دیگران برای برانگیختن خود و استفاده از آنها در روابط با دیگران می باشد (حیدری و مهدی نژاد و لیانی، ۱۳۹۳).

استفاده ضعیف از هیجانات در میان نوجوانان در مشکلات رفتاری همچون خشم و پر خاشگری که مشخصه اصلی رفتار قلدری است، پیش بینی کننده معتبری است. با توجه به شیوع قلدری در کل جهان و همچنین در کشور، لزوم پرداختن به متغیرهایی که می توانند نقش تأثیرگذاری بر کاهش این پدیده اخلاقی منفی در میان نسل دانش آموزان داشته باشد، ضروری

⁶. Martinz

⁷. Macc Garvy

می‌باشد. هوش هیجانی، ایجاد افکار و رفتارهایی است که به افراد آگاهی می‌دهد چه نوع هیجانی دارند، چه هنگام این هیجان‌ها در آنها پدید می‌آید و چگونه باید آنها را ابراز نمایند. اگر زورگویی و زورپذیری در دانش آموزان بدون درمان باقی بماند می‌تواند به ناتوانی‌های هیجانی از جمله افسردگی، اختلال استرس پس از ضربه، ترک تحصیل از مدرسه و حتی خودکشی منجر شود. تحقیقات پیرامون مسائل مرتبط با زورگویی نشان داده است که پیامدهای دراز مدت شدیدی هم برای قربانیان و هم برای زورگویی وجود دارد. تدابیر روانی- اجتماعی از جمله روش‌های درمانی است که می‌توان برای افراد زورگو استفاده نمود. در این نوع تدابیر برای درمان زورگویی بر آموزش مهارت‌های ضروری مانند توجه کردن، کنترل خود، یادگیری مهارت‌های اجتماعی و کاهش یا تنظیم بهتر فعالیت‌های اجتماعی - هیجانی تأکید دارند. هدف این شیوه‌ها اصلاح محیط و فراهم ساختن فرصت‌های سازماندار برای کودکان و نوجوانان است تا مهارت‌های کنترل خود را یادگیرند(فخاری زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن انجام شده است و محقق درصدد پاسخ به این سوال است که هوش هیجانی در پیش‌بینی رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن چه نقشی دارد؟

فخاری زاده و همکاران(۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی کاربرد رگرسیون لجستیک در پیش‌بینی قلدری بر اساس مولفه های هوش هیجانی و هوش معنوی پرداختند. نتایج رگرسیون لجستیک نشان داد از بین متغیرهای پیش‌بین، درک عواطف و احساسات خود و دیگران (مولفه هوش هیجانی)، زمینه تفکر و بعد انتقادی (مولفه هوش معنوی) و سجایای اخلاقی (مولفه هوش معنوی) نقش معنی‌داری در پیش‌بینی عضویت گروهی (قلدر بودن یا نبودن) داشتند. سایر متغیرها در حضور این سه متغیر نقش معنی‌داری در پیش‌بینی عضویت گروهی نداشتند.

دره شکوه و همکاران(۱۳۹۸) در پژوهشی به نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه سبک‌های فرزندپروری و قلدری پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد هوش هیجانی در رابطه بین فرزندپروری مستبدانه و قلدری دارای نقش واسطه‌ای جزئی و در رابطه بین فرزندپروری مقتدرانه و قلدری دارای نقش واسطه‌ای کامل است.

مبارکی (۱۳۹۸) در پژوهشی به اثربخشی آموزش خودتنظیمی بر کاهش قلدری و افزایش هوش هیجانی دانش آموزان پرداخت. نتایج آزمون کوواریانس نشان داد که آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر کاهش قلدری و افزایش هوش هیجانی دانش آموزان پسر دوره اول متوسطه مؤثر است.

روبیذا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه دانش آموزان پرداختند. هدف از انجام پژوهش تعیین رابطه بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه دانش آموزان بود. پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی بوده و جامعه آماری پژوهش، شامل دانش آموزان ۱۱-۱۸ ساله در کشور تایوان بودند که به روش نمونه گیری تصادفی ساده و براساس فرمول کوکران به تعداد ۲۱۹ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش رگرسیون گام به گام توسط نرم افزار آماری SPSS23 انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش آموزان رابطه منفی و معناداری دارد.

بارلینسکا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با هدف بررسی اینکه آیا القای همدلی عاطفی (به اشتراک گذاشتن احساسات) و همدلی شناختی (برداشت ذهنی) می تواند مداخله کنندگان آنلاین نوجوانان را در موارد مزاحمت اینترنتی تحریک کند، نشان دادند فقط فعال سازی همدلی شناختی احتمال مداخله در رفتار تماشاگران را افزایش می دهد. این در حالی است که القای همدلی عاطفی، تجربه قبلی سوءاستفاده، مجرم سازی و جنسیت، بر مشارکت در رفتار تماشاچی اجتماعی تأثیرگذار نبوده است.

روش اجرا

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش آموزان پایه پنجم و ششم مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن می باشند که تعدادشان ۶۵۰ دانش آموز دختر می باشد و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و بر اساس جدول مورگان تعداد ۲۴۲ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از اخذ مجوزهای لازم و معرفی نامه از معاونت پژوهشی دانشگاه به مرکز آموزش و پرورش شهرستان فومن و تایید توسط واحد حراست، مجوز توزیع پرسشنامه در میان مدارس به محقق داده شد. پس از آن جهت توزیع پرسشنامه در مدارس اقدام شد. کلیه پرسشنامه ها توسط محقق توزیع گردید که عمده پاسخگویان پژوهش نیز دانش آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی

بودند که به دلیل این که ممکن بود در هنگام تکمیل پرسشنامه سؤالاتی توسط تکمیل کنندگان مطرح شود، محقق در محل حضور داشت. پژوهش حاضر در خرداد ماه ۱۴۰۲ انجام شده است و آزمودنی های پژوهش طی جلسات کوتاه ۱۰ دقیقه ای درخصوص اهداف پژوهش و ایجاد اعتماد درمورد محرمانه بودن جواب های اخذ شده از پرسشنامه ها توجیه گردیدند. همچنین در مسیر انجام پژوهش نسبت به رضایت شرکت کنندگان و همین طور دارا بودن کد اخلاق علوم پزشکی اقدام شد. جمعا ۲۵۰ پرسشنامه توزیع گردید که در نهایت با حذف پرسشنامه های مخدوش تعداد ۲۴۲ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می باشد که مشخصات آن به شرح زیر است:

پرسش نامه هوش هیجانی

برای سنجش هوش هیجانی، از پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۲۰۰۰) استفاده شد که این پرسشنامه حاوی ۳۳ سوال است و در آن ۱۳ سوال به سنجش «آگاهی»، ۱۱ سوال به سنجش مولفه «تسهیل» و ۷ سوال به سنجش مولفه «شناخت» و سوال به «کنترل» اختصاص داده شده اند و آزمودنی ها نیز در طیف لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف به گویه ها پاسخ دادند.

اعتبار و روایی این پرسشنامه نیز با توجه به مطالعات سالوی و همکاران (۲۰۰۰) و پژوهش رخصتی و فرخی (۱۳۹۵)، تا کنون بالاتر از ۷۰/۰ بدست آمده است که روایی و اعتبار مناسب و قابل قبولی است.

پرسشنامه قلدری ایلی نویز

مقیاس قلدری ایلی نویز توسط اسپلاگه و هولت (۲۰۰۵) ساخته شده است که از ۱۸ گویه و ۳ خرده مقیاس قلدری (۹ سؤال)، زدوخورد (۵ سؤال) و قربانی (۴ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش رفتارهای قلدرمآبانه و قربانی بودن در فرد بکار می رود. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه ای می باشد که برای گزینه های «هرگز»، «یک یا دو بار»، «سه یا چهار بار»، «پنج یا شش بار» و «هفت بار یا بیشتر» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می شود. در این مقیاس هر بعد نمره جداگانه ای دارد. نمره بالا در هر زیرمقیاس بیانگر بروز بیشتر همان گونه رفتار در آزمودنی است. اسپلاگه و هولت (۲۰۰۱) برای بررسی پایایی مقیاس مذکور محققان از آلفای کرونباخ استفاده کردند که این ضریب برای هر یک از زیرمقیاس های قلدری، زدوخورد و قربانی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ بود (اسپلاگه و هولت، ۲۰۰۱). شوجا و آتا

(۲۰۱۱) در پژوهشی دیگر ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس و زیرمقیاس ها قلدری، قربانی، زدو خورد، نمره کل، را به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۳، ۰/۷۱ و ۰/۸۹ به دست آوردند که نشان از پایداری مطلوب این ابزار بود (اسپالاکه وهولت، ۲۰۰۱). در مطالعه‌ی چالمه (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ و دونیمه سازی این مقیاس بر روی دانش‌آموزان برای کل مقیاس و ابعاد آن ۰/۶۲ تا ۰/۹۲ به دست آمد.

یافته ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در بخش آمار توصیفی از آماره‌های میانگین، واریانس و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون توسط نرم افزار آماری SPSS23 استفاده خواهد شد. ابتدا نتایج امار توصیفی و سپس نتایج آمار استنباطی ارائه شده است:

جدول ۱) شاخص‌های توصیفی متغیر هوش هیجانی در شرکت کنندگان

متغیر	میانگین	انحراف معیار
آگاهی	۳۷/۵۳	۳/۲۹
تسهیل	۲۸/۸۲	۳/۷۷
شناخت	۲۵/۰۷	۴/۸۴
کنترل	۱۱/۳۴	۶/۷۲
هوش هیجانی	۱۰۲/۱۱	۱۶/۷۷

در بین مولفه های هوش هیجانی، بیشترین میزان میانگین مربوط به مولفه آگاهی و کمترین میزان میانگین مربوط به مولفه کنترل بود.

جدول ۲) شاخص‌های توصیفی متغیر رفتارهای قلدرانه در شرکت کنندگان

متغیر	میانگین	انحراف معیار
قلدری	۲۷/۸۷	۲/۷۹
زدو خورد	۲۱/۲۰	۲/۸۱
قربانی	۱۹/۹۶	۳/۵۰
رفتارهای قلدرانه	۶۸/۳۷	۹/۰۳

از آنجایی که در این پژوهش جهت آزمون فرضیات از روش‌های همبستگی (با استفاده از نرم افزار SPSS23) استفاده گردیده است. باید پیش فرض‌های استفاده از این روش مورد بررسی و تایید قرار گیرد. پیش فرض‌ها در SPSS جهت انتخاب آزمون‌های آماری مناسب، توزیع نرمال و وجود متغیرهای فاصله‌ای است (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). از این رو جهت استفاده از نرم افزار SPSS ضروری است که نرمال بودن توزیع داده‌های گردآوری شده مورد بررسی قرار گیرد. جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (KS) استفاده گردید. که نتایج حاصل از آن‌ها که با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه گردیده در جدول (۳) گزارش گردیده است.

جدول (۳). نتایج آزمون کلموگراف- اسمیرنوف برای تعیین توزیع نرمال داده‌های تحقیق

متغیر	هوش هیجانی	رفتارهای قلدرانه
Z	۰/۵۳	۰/۵۰
Sig	۰/۰۸	۰/۰۶
N	۲۴۲	۲۴۲

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف با سطح خطای ۵٪ تست گردید. در این شرایط می‌توان گفت که چنانچه سطح معنی‌داری در این آزمون بیشتر از ۵٪ باشد، می‌توان داده‌ها را نرمال فرض کرد. در غیر این صورت نمی‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال است. با توجه به جدول فوق و مقادیر سطح معناداری، فرض نرمال بودن متغیرهای پژوهش تایید گردید. در نتیجه برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها، مجاز به استفاده از آمار پارامتریک و روش‌های مربوطه می‌باشیم.

بررسی فرضیه پژوهش: هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن رابطه دارد.

به منظور تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج مربوط به آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	ضریب همبستگی	df	سطح اطمینان
هوش	۱۰۲/۱۱	۱۶/۷۷				

هیجانی					
	۲۴۲	- ۰/۵۵	۲۰۱	۰/۰۱	
رفتار قلدرانه	۶۸/۳۷	۹/۰۳			

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ضریب همبستگی محاسبه شده برای رابطه هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه (۰/۵۵ -) بزرگتر از اندازه همین جدول با درجه آزادی ۲۰۱ در سطح (۰/۰۱) است، از اینرو با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه ضریب همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد بگونه‌ای که با افزایش هوش هیجانی رفتارهای قلدرانه کمتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش، بررسی رابطه هوش هیجانی با رفتارهای قلدرانه دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن می‌باشد. پژوهش کاربردی و از نوع توصیفی - همبستگی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل، دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان فومن بودند که تعداد ۲۴۲ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و بر اساس جدول مورگان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالووی (۱۹۹۸) و پرسشنامه رفتارهای قلدرانه (اسپلاگه و هولت، ۲۰۰۵) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام توسط نرم-افزار آماری SPSS23 استفاده شد.

با توجه به یافته‌های به دست آمده، مشخص گردید که بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش فخاری‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، دره شکوه و همکاران (۱۳۹۸)، رویداد و همکاران (۲۰۲۲) هم راستا می‌باشد. بر مبنای نتایج پژوهش فخاری‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) که به بررسی کاربرد رگرسیون لجستیک در پیش‌بینی قلدری بر اساس مولفه‌های هوش هیجانی و هوش معنوی پرداختند، مشخص گردید که درک عواطف و احساسات خود و دیگران به عنوان یکی از مولفه‌های هوش هیجانی تأثیر منفی و معناداری با رفتارهای قلدرانه دارد. همچنین نتایج پژوهش دره شکوه و همکاران (۱۳۹۸) که به بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه سبک فرزند پروری و رفتارهای قلدرانه پرداختند، مشخص شد که هوش هیجانی رابطه منفی و معناداری با رفتارهای قلدرانه دارد و میزان ارتباط بین دو متغیر ۰/۴۸- برآورد



گردید. نتایج پژوهش رویداد و همکاران (۲۰۲۲) نیز مبنی بر تایید رابطه منفی و معنادار بین هوش هیجانی و رفتارهای قلدرانه به میزان ۰/۵۳ بود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که کودکان دارای مشکلات برون‌سازی از جمله قلدری و اختلال سلوک در مقایسه با کودکان دارای مشکلات درون‌سازی و کودکان عادی، گرایش دارند سطوح پایین‌تری از تنظیم و کنترل هیجانی نشان دهند. آن‌ها همچنین زمانی که به تجلیات چهره‌ای می‌نگرند، بازشناسی هیجانی ضعیفی دارند. شواهد تجربی در تأیید رابطه بین قلدری و هوش هیجانی وجود دارد. فوکس و بولتن^۸ (۲۰۰۷)، مجموعه از مهارت‌های اجتماعی که دانش‌آموزانی که مورد قلدری قرار گرفته بودند را مشخص نمودند که شامل: (۱) آسیب‌پذیری رفتاری، (۲) کناره‌گیری و انزواطلبی (مانند آرام صحبت کردن)، (۳) سلطه‌پذیری (مانند به‌راحتی تسلیم شدن)، (۴) نشان دادن علائم فشار روانی (مانند به‌راحتی به گریه افتادن) و رفتارهای آزاردهنده (مانند آزار دیگر همسالان) می‌باشد (کیمیایی و رفتار، ۱۳۹۳). در نظر گرفتن مداخلات روان شناختی برای بهبود رفتارهای قلدرانه و پرخطر در میان دانش‌آموزان از طریق آموزش هوش هیجانی و سایر روش‌های مداخله‌گر پیشنهاد می‌گردد. اگرچه پژوهش حاضر شواهدی فراهم نمود که رفتارهای قلدرانه براساس هوش هیجانی مشخص گردید، اما محدودیت‌های چندی نیز وجود داشت که عبارتند از: ابزار و روش تحقیق همواره یکی از محدودیت‌های هر تحقیقی است. استفاده از روش‌های کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و عدم توجه به معیارهای کیفی به علت کمبود زمان نیز یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. یافته‌های تحقیق بر اساس وضعیت دانش‌آموزان فومن بوده و قابل تعمیم به سایر دانش‌آموزان استان گیلان نمی‌باشد. یافته‌ها براساس نتایج دانش‌آموزان دوره ابتدایی است و قابل تعمیم به دانش‌آموزان سایر دوره‌ها نمی‌باشد. با توجه به این‌که به‌نظر می‌رسد خصوصیات شخصیتی دانش‌آموزان با رفتارهای قلدرانه رابطه دارد، پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی درباره رابطه خصوصیات شخصیتی با رفتارهای قلدرانه به عمل بیاید. در این پژوهش به جامعه دانش‌آموزان مدارس دخترانه سطح ابتدایی شهرستان فومن پرداخته شد که پیشنهاد می‌گردد با توجه به اوج شیوع قلدری در سنین نوجوانی، در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه نیز پژوهش مشابهی صورت بگیرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه به جمع‌آوری پایه تحصیلی دانش‌آموزان در پاسخگویی توجه شود و به صورت مقایسه‌ای دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی از نظر میزان رفتارهای قلدرانه بررسی گردند. پیشنهاد می‌شود که به انجام پژوهش‌هایی با تکیه بر روش‌های تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) روی آورند تا نتایج دقیق‌تر و قابل اتکاتری را در حجم نمونه‌های بالاتر ارائه دهند.

منابع

- بیرامی، منصور و علایی، پروانه (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک محیط عاطفی خانواده. *مجله روانشناسی مدرسه*، دوره ۲، شماره ۳، ۵۶-۳۸.
- حاجیه، زهره. ملا سلطانی، جمال. ۱۳۹۵. بررسی رابطه هوش عاطفی و هوش تحلیلی با عملکرد حسابداران. *مجله حسابداری نوین*. ۳۹-۵۲: (۲۸)۹.
- حیدری، شعبان. مهدی نژاد گرچی، گلین. لیانی، فاطمه. ۱۳۹۳. نقش بهزیستی روانشناختی و هوش هیجانی در پیش بینی اضطراب امتحان دانشجویان. *کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی - ۱۳۹۳*
- دره شکوه، ایمان. بنی جمالی، شکوه السادات. احدی، حسن. (۱۳۹۸). نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه سبک های فرزندپروری و قلدری. *مطالعات روانشناختی*. ۸۹-۶۷: (۱)۱۱.
- زندوانیان، احمد؛ دریاپور، الهه و جباری‌فر، تقی (۱۳۹۲). رابطه جو مدرسه و زورگویی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال بیستم، شماره ۲، ۴۵-۶۲.
- سیفی زاده، مسعود. حسینی، احمد. (۱۳۹۵). نقش هیجانات روانی در بهزیستی شغلی. *همایش روان‌شناسی مدیریت*. اسفند ۱۳۹۵.
- شعبانی، غلامرضا. بهار، ابوالقاسم. فاروقی، حسین. (۱۳۹۰). تعیین ارتباط هوش هیجانی و عملکرد ورزشی ورزشکاران استان همدان. *مطالعات مدیریت ورزشی*. ۶۰-۴۵: (۷)۷.
- شهبازیان خونیک آرش، حسنی امید، رشیری دیبا فر محمد. (۱۳۹۸). نقش تشخیصی قلدری و هوش اخلاقی در احتمال خودکشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. ۱۷-۳۰: (۱)۱۸.
- شیرمحمدی، سمیرا. امیری، حسن. (۱۳۹۴). نقش پنج عامل بزرگ شخصیت و هوش هیجانی در پیش بینی بهزیستی روانشناختی دانشجویان. *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی - ۱۳۹۴*
- صالحیان، افشین. صادقی، مسعود. بهرامی، فاطمه. شریفی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *مطالعات روانشناختی*. ۶۵-۴۴: (۲)۶.
- فخاری زاده، سعید. رضایی، علی محمد. محمدی فر، محمد علی. طالع پسند، سیاوش. (۱۴۰۱). کاربرد رگرسیون لجستیک در پیش‌بینی قلدری بر اساس مولفه های هوش هیجانی و هوش معنوی. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*. ۷۷-۵۱: (۱۰)۸.
- کمالدار، آذر و شیخ الاسلامی، راضیه. (۱۳۹۴). نقش هوش عاطفی و خودکارآمدی عاطفی در بهزیستی روانشناختی دانشجویان، دومین کنفرانس بین المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.
- کیمیایی سیدعلی، رفتار محمدرضا. (۱۳۹۳). اثربخشی برنامه تقویت هوش هیجانی بر کنترل رفتار قلدری نوجوانان. *مجله علوم رفتاری*. ۲۳-۴۵: (۷)۶.
- مرادی، مرتضی. جلیلیان، حمیدرضا. کیانپور، سعید. امیری، مریم. (۱۳۹۶). نقش هوش هیجانی و کار هیجانی در کاهش فرسودگی شغلی و افزایش رضایت شغلی. *مطالعات رفتار سازمانی*. ۷۳-۱۰۰: (۲)۶.

مومنی، خدامراد. علیخانی، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایز یافتگی خود و تاب آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متاهل شهر کرمانشاه. دوفصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده. ۲(۳): ۷۶-۸۳.

Barlińska, J. Szuster, A. Winiewski, M. (2018). Cyberbullying among adolescent bystanders: Role of affective versus cognitive empathy in increasing prosocial cyberbystander behavior. *Frontiers in psychology*, 9, 799.

Chen, Xin. Jiarui, Jiang. Zuoshan, Li . Yue, Gong. Jiangli, Du.(2022). Influence of family cohesion on Chinese adolescents' engagement in school bullying: A moderated mediation model. *Sec. Personality and Social Psychology*. 1398): 13-29.

Clarke, Nicholes., & Mahadi, Nomaaza. (2017). The significance of mutual recognition respect in mediating the relationships between trait emotional intelligence, affective commitment and job satisfaction. *Personality and Individual Differences*. 105(110): 129-139.

Espejo-Siles, R., Zych, I., & Llorent, V. (2005). Empathy, social and emotional competencies, bullying perpetration and victimization as longitudinal predictors of somatic symptoms. *Journal of Affective Disorders*, 271, 141-151.

Estévez, E., Estévez, J. F., Segura, L., & Suárez, C. (2019). The influence of bullying and cyberbullying in the psychological adjustment of victims and aggressors in adolescence. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(12), 2080.

Fernández-Berrocal, P., & Extremera, N. (2016). Ability emotional intelligence, depression, and well-being. *Emotion Review*, 8(4), 311-315.

Gómez-Ortiz, O., Zea, R., Ortega-Ruiz, R., & Romera, E. (2020). Percepción y motivación social: elementos predictores de la ansiedad y el ajuste social en adolescentes. *Psicología Educativa*, 26(1), 49-55.

Goodwin, J., Bradley, S. K., Donohoe, P., Queen, K., O'Shea, M., & Horgan, A. (2019). Bullying in schools: An evaluation of the use of drama in bullying prevention. *Journal of Creativity in Mental Health*, 14(3), 329-342.

Rodríguez-Enríquez, M., Bennasar-Veny, M., Leiva, A., Garaigordobil, M. & Yañez, A. M. (2019). Cybervictimization among secondary students: social networking time, personality traits and parental education. *BMC public health*, 19(1), 1-7.

Rueda, Pilar Nuria Pérez-Romero, M. Victoria Cerezo. (2022). The Role of Emotional Intelligence in Adolescent Bullying: A Systematic Review. *ANTERIOR SIGUIENTE*. 28(1): 50-67.

Zych, I., Ortega-Ruiz, R., Muñoz-Morales, R., & Llorent, V. J. (2018). Dimensions and psychometric properties of the Social and Emotional Competencies Questionnaire (SEC-Q) in youth and adolescents. *Revista Latinoamericana de Psicología*, 50(2), 98-106.